



نام و نام خانوادگی: سن: تحصیلات: جنسیت: تاریخ اجرا:

باسلام

لطفاً سوالات زیر را مطالعه کرده و گزینه مناسب را با توجه به تجربه در گروه انتخاب کنید.

بسیار موافق موافق نظری ندارم مخالف کاملاً مخالف

- ۱) رهبر نسبت به اعضا، بیشتر در گروه صحبت می‌کرد.
- ۲) رهبر به ندرت ما را برای مذاکره در گروه به منظور برآورد چگونگی راندمان اعضا در گروه تشویق می‌کرد.
- ۳) زمانی که اعضا مشکلات خارج از گروه را مطرح می‌کردند، رهبر موقعیت مشکل را به رفتار آن‌ها در گروه مرتبط می‌ساخت.
- ۴) به طور کلی رهبر کنترل کامل به اوضاع مذاکرات گروه داشت.
- ۵) رهبر جزئیات و یا دلایل مناسبی را در مورد خودش بیان می‌کرد.
- ۶) اغلب زمانی که رهبر گروه بسیار در گروه صحبت می‌کرد این امر باعث کمک به اعضای گروه می‌شد.
- ۷) اکثر مداخلات رهبر در میان گروه به صورت نیازهای پنهان اعضا بیان شده است.
- ۸) به نظر می‌رسید رهبر با لحن خاصی با اعضا صحبت و یا رفتار می‌کند.
- ۹) اغلب رهبر به صورت مستقیم با تک تک اعضا صحبت می‌کرد تا اینکه با کل گروه صحبت کند.
- ۱۰) در اکثر بخش‌ها رهبر ما را به مذاکره در مورد مطالب خاصی تشویق می‌کرد.
- ۱۱) زمانی که اعضای گروه هیجانات سختی را تجربه می‌کردند معمولاً رهبر از آن‌ها در مورد تفکرشان در آن لحظه سؤال می‌کرد.
- ۱۲) معمولاً احساسات گروه بدون هیچ‌گونه ساختاری بنا شده است.
- ۱۳) من تمایل داشتم در مورد شخصیت رهبر اطلاعات کسب کنم.
- ۱۴) به طور کلی من باور داشتم رهبر با اعضای گروه و مسائل آن‌ها درگیر است.
- ۱۵) اغلب من در مورد اینکه اگر رهبر از علائق من آگاه شود نگران بودم.
- ۱۶) در اکثر مواقع به نظر می‌رسید که رهبر در حال استراحت است.
- ۱۷) رهبر یک شرکت‌کننده فعال در مذاکرات ما بود.
- ۱۸) اغلب رهبر ما را به تفکر در رابطه با اینکه چگونه با یک شخص دیگر صحبت کنیم، به جای اینکه چه بگوییم به چالش می‌کشید.
- ۱۹) رهبر میزان تجربیات گروه را هدایت می‌کرد.
- ۲۰) به نظر می‌رسید رهبر در رابطه با علائق اعضا و موقعیت زندگیشان تجربه خاصی نداشته است.
- ۲۱) رهبر زمان زیادی را برای کار کردن با یک یا چند نفر از اعضای گروه در یک زمان واحد می‌گذراند.
- ۲۲) زمانی که اعضا مسائل و مشکلات را در گروه بیان می‌کردند معمولاً رهبر با تشویق آن‌ها به حل مشکل پاسخ می‌داد.
- ۲۳) اغلب رهبر تلاش می‌نمود تا به اعضا برای مرتبط ساختن تجارب گذشته با رفتارهای کنونی کمک نماید.
- ۲۴) رهبر از مجموعه الفاظ احساسی در زمان صحبت با اعضا استفاده می‌کرد.



- (۲۵) به طور کلی رهبر یک فرد فهمیده بود.
- (۲۶) اغلب رهبر از اعضای گروه در رابطه با اینکه چه کسانی همچنان به رویدادهای گذشته‌شان فکر می‌کنند سؤال می‌کرد.
- (۲۷) رهبر به ما در رابطه با درک هدف گروه کمک می‌کرد.
- (۲۸) معمولاً به نظر می‌رسید رهبر مذاکرات جلسه را کنترل می‌کند.
- (۲۹) رهبر به ندرت در مورد افکار و احساسات خودش مطالبی را عنوان می‌نمود.
- (۳۰) رهبر نظرات متعددی را در طول مذاکره مطرح می‌کرد.
- (۳۱) رهبر اغلب ما را به کشف انگیزش‌های پنهانمان که زمینه مذاکراتمان بود دعوت می‌کرد.
- (۳۲) در اکثر مواقع به نظر می‌رسید که رهبر تفکرگرا است.
- (۳۳) رهبر، یک عضو از گروه را در یک زمان به کار در رابطه با موضوع مورد علاقه‌اش تشویق می‌کرد.
- (۳۴) اغلب رهبر ما را برای بیان یا کشف هنجارهای حاکم در مذاکرات گروه مواجه می‌کرد.
- (۳۵) اغلب رهبر، اعضا را برای بحث در مورد روابط کنونی با شخص دیگر تشویق می‌کرد.
- (۳۶) رهبر ما را به بهترین روش برای ارتباط با دیگران هدایت می‌کرد.
- (۳۷) من هرگز این احساس را که دوست دارم در مورد بعضی چیزها صحبت کنم نداشتم زیرا که رهبر از من می‌خواست که در مورد آن‌ها صحبت کنم بدون اینکه این نیاز در من به وجود آید.
- (۳۸) در اکثر مواقع به نظر می‌رسید رهبر یکی از اعضا را دوست دارد.
- (۳۹) اغلب رهبر در جلسات گروه بحث را در دست می‌گرفت.
- (۴۰) رهبر به ندرت با افراد گروه برخورد می‌کرد و اگر یکی از اعضا مقاومت می‌کرد بازخوردهای دیگری را در پی داشت.
- (۴۱) در اکثر مواقع رهبر درک می‌کرد که هر یک از اعضا سعی می‌کنند مسئله‌ای را بیان کنند.
- (۴۲) رهبر به ندرت در مذاکرات شرکت می‌کرد.
- (۴۳) رهبر ما را در فعالیت‌هایی که منجر به درک بهتر در مورد اینکه چه انتظاری از ما در گروه دارد، تشویق می‌کرد.
- (۴۴) زمانی که یکی از اعضا در مورد علایقش صحبت می‌کرد، رهبر تلاش می‌نمود همه ما را به توجه و صحت وادار کند.
- (۴۵) اغلب رهبر ما را به توجه در مورد اینکه چگونه در مورد مطالب صحبت کنیم تشویق می‌کرد.
- (۴۶) اکثر هیجانات در طول مذاکرات گروه بیان می‌شد.
- (۴۷) اغلب رهبر تلاش می‌کرد مذاکرات گروه را به مطالبی که وی می‌خواست ما در موردش صحبت کنیم سوق دهد.
- (۴۸) رهبر به طور مستمر اعضا را برای تمرکز در "اینجا و اکنون" در طول مذاکرات تشویق می‌کرد.
- (۴۹) به نظر می‌رسید رهبر همیشه از اعضای گروه جداست.
- (۵۰) رهبر به ندرت با اعضا در مورد رفتار و یا حالاتشان در طول مذاکره برخورد داشت.
- (۵۱) اغلب رهبر به اعضا در روابطشان با یک شخص دیگر کمک می‌کرد.
- (۵۲) رهبر اعضای گروه را به تمرکز بر روی مطالب بیان شده در گروه تشویق می‌کرد.



- ۵۳) زمانی که اعضای گروه احساسات سختی را تجربه کرده بودند، معمولاً رهبر آنها را به بیان هیجانانگیز تشویق نمی کرد.
- ۵۴) زمانی که رهبر صحبتش با یک عضو از گروه به پایان می رسید، مذاکره را با یک عضو جدید و مسائل متفاوت تغییر می داد.
- ۵۵) مباحث مطرح شده در گروه مشابه یکدیگر بودند یا اینکه یک یا دو مطلب خاص مورد بحث قرار می گرفت.
- ۵۶) رهبر توجهی به تغییر رفتار و حالات اعضای گروه نداشت.
- ۵۷) در جلسات رهبر مباحث بیان شده را مرور می کرد و مطالبی را که دارای اهمیت بیشتری بودند را مجدداً مطرح می کرد.
- ۵۸) رهبر گروه تلاش می کرد احساسات و رفتارهای اعضا را تغییر دهد.
- ۵۹) زمانی که مذاکرات گروه به صورت متفکرانه بود، رهبر بحث را به مباحث احساسی منتقل می کرد.
- ۶۰) رهبر به ندرت گروه را به عنوان یک کل در نظر می گرفت و اکثراً مراجعین را به صورت جداگانه درمان می کرد.
- ۶۱) در هر جلسه یک مطلب خاص توسط رهبر یا اعضا مطرح می شد.
- ۶۲) زمانی که اعضای گروه یک مسئله ای را بیان می کردند رهبر به ندرت سؤالی را مطرح می کرد.
- ۶۳) اغلب رهبر تفکرات منطقی را به عنوان اصل یا ریشه مشکلات اعضای گروه مشخص می نمود.
- ۶۴) رهبر گروه اغلب به اعضا برای اینکه شخص چگونه در لحظه احساس کند، کمک می کرد.
- ۶۵) رهبر اغلب دو یا بیشتر علایق اعضا را در یک جهت مشترک مرتبط می کرد تا مسائل یا عنوان های فردی را در گروه ایجاد کند.



پاسخنامه

نام و نام خانوادگی: سن: تحصیلات: تاریخ اجرا:

ردیف	بسیار موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً موافق
۱					۳۴
۲					۳۵
۳					۳۶
۴					۳۷
۵					۳۸
۶					۳۹
۷					۴۰
۸					۴۱
۹					۴۲
۱۰					۴۳
۱۱					۴۴
۱۲					۴۵
۱۳					۴۶
۱۴					۴۷
۱۵					۴۸
۱۶					۴۹
۱۷					۵۰
۱۸					۵۱
۱۹					۵۲
۲۰					۵۳
۲۱					۵۴
۲۲					۵۵
۲۳					۵۶
۲۴					۵۷
۲۵					۵۸
۲۶					۵۹
۲۷					۶۰
۲۸					۶۱
۲۹					۶۲
۳۰					۶۳
۳۱					۶۴
۳۲					۶۵
۳۳					